

Recognition the Followers of the False Based on the Analysis of the Content of Imam Sadegh's Letter to His Companions

Fathieh Fattahizadeh¹Zahra Sarfi²Somaye Sarvghadmoghaddam^{3*}

Abstract

Among the valuable relics left by Imam Sadegh, there is an open letter addressed to the companions in all eras, to which he paid special attention. According to the text of the narration, he instructed the companions to teach it to each other and to act accordingly. In the present study, this letter has been addressed by using the "content analysis method". This method is a systematic method that leads the researcher to infer and achieve practical patterns. In this research, the category of "knowing the followers of the false" in the mentioned letter has been analyzed based on the analysis of thematic content in a quantitative and qualitative manner. According to the results of quantitative analysis, the subject of "knowing the followers of the false" is one of the most frequent categories of this letter. This indicates the Imam's emphasis on the companions to need to know this group. The results of qualitative analysis also show that the characteristics of "followers of the false" from the doctrinal and moral dimensions and their opposition to the divine commandments are explained in this letter. In addition to mentioning the reasons for their deviation, their goals and their way of achieving these goals are other issues that have been considered in this letter. Also, the story of "Saqufe Bani Sadeh" has been introduced as an example of deviating from the right path.

Keywords

Imam Sadegh Letter, Companions, Content Analysis, Followers of the False.

Citation: Fattahizadeh, F., Sarfi, Z., Sarvghadmoghaddam, S (2021) Recognition the Followers of the False based on the Analysis of the Content of Imam Sadegh's Letter to his Companions. Bi-quarterly Scientific Journal of Studies on Understanding Hadith. Vol. 7, No. 2 (Serial. 14), pp. 161-185. (In Persian)

1. Professor of Department of Quran and Hadith, Alzahra University.

Email: f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

2. Assistant Professor of Department of Quran and Hadith, Alzahra University.

Email: sarfi@alzahra.ac.ir

3. Responsible Author, M.A. of Quran and Hadith Sciences, Alzahra University.

Email: sarvghadmoghaddam@gmail.com

Received on: 15/06/2020

Accepted on: 18/01/2021

شناخت اهل باطل بر مبنای تحلیل محتوای نامه امام صادق (ع) به اصحاب

فتحیه فتاحی زاده^۱زهرا صرفی^۲سمیه سروقد مقدم^{۳*}

چکیده

در میان آثار ارزشمند باقی مانده از امام صادق (ع) نامه‌ای سرگشاده خطاب به اصحاب در تمامی عصرها وجود دارد که حضرت اهمیت ویژه‌ای برای آن قائل بوده است. چنان‌که طبق متن روایت به اصحاب دستور داده آن را به یکدیگر درس دهند و بدان عمل کنند. در پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوا به این نامه پرداخته شده است. این روش، شیوه‌ای نظام‌مند است که محقق را به‌سوی استنباط و دستیابی به الگوهای کاربردی هدایت می‌کند. در این پژوهش، مقوله‌ی «شناخت اهل باطل» در نامه‌ی مذکور بر اساس تحلیل محتوای مضمونی به‌صورت کمی و کیفی، مورد واکاوی قرار گرفته است. بر اساس نتایج تحلیل کمی، مقوله شناخت اهل باطل از پربسامدترین مقولات این نامه است؛ این مطلب حاکی از تأکید امام به اصحاب بر ضرورت شناخت این گروه می‌باشد. نتایج تحلیل کیفی نیز مشخص می‌کند ویژگی‌های اهل باطل از ابعاد اعتقادی و اخلاقی و مخالفت ایشان با احکام الهی در این نامه تبیین شده است. بیان اسباب انحراف اهل باطل، اهداف ایشان و شیوه آن‌ها برای دسترسی به این اهداف از موضوعات دیگری است که در این نامه مورد توجه قرار گرفته است. همچنین ماجرای سقیفه بنی‌ساعده به‌عنوان مصداقی برای انحراف از مسیر حق معرفی شده است.

کلیدواژه‌ها

نامه‌ی امام صادق (ع)، اصحاب، تحلیل محتوا، اهل باطل.

استناد: فتحیه زاده، فتحیه؛ صرفی، زهرا؛ سروقد مقدم، سمیه (۱۴۰۰). شناخت اهل باطل بر مبنای تحلیل محتوای نامه امام صادق (ع) به اصحاب، دوفصلنامه علمی مطالعات فهم حدیث، (۲) ۷، پیاپی ۱۴، صص ۱۶۱-۱۸۵.

۱. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (س). f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (س). sarfi@alzahra.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (س) (نویسنده مسئول).

sarvghadmoghaddam@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۹

۱. طرح مسأله

در نتیجه‌ی انتقال حکومت از بنی امیه به بنی عباس که در زمان امام صادق (ع) رخ داد، شرایط مساعدی برای فعالیت‌های این امام بزرگوار به وجود آمد. در این شرایط ایشان اهتمام ویژه‌ای به تربیت اصحاب خود داشت؛ به گونه‌ای که نام چهار هزار شاگرد برای حضرت در کتب ثبت شده است (مفید، ۱۳۸۴ش، ۲: ۱۸۰). حضرت در حدیثی به سفارش امام باقر (ع) در زمینه‌ی تربیت اصحاب اشاره کرده می‌فرماید: «لَمَّا حَضَرْتُ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ الْوَفَاءُ، قَالَ: يَا جَعْفَرُ، أُوصِيكَ بِأَصْحَابِي خَيْرًا، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَاللَّهِ لَأَدْعَنَّهُمْ وَالرَّجُلُ مِنْهُمْ يَكُونُ فِي الْمِصْرِ، فَلَا يَسْأَلُ أَحَدًا» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۲: ۵۸). در میان آثار ارزشمند به‌جامانده از این امام بزرگوار نامه‌ای سرگشاده خطاب به اصحاب در تمام عصرها وجود دارد که امام در آن، دستورالعمل‌هایی برای پیروان خود نگاشته است. این نامه، نامه‌ی نسبتاً مفصّلی است که بر اساس نقل کلینی، امام (ع) آن را برای اصحابش نگاشته و دستور داده آن را بخوانند و بر خواندن آن، مداومت نمایند. همچنین حضرت در مورد نامه به اصحاب سفارش فرموده، آن را به یکدیگر تعلیم نمایند و در آن تدبیر و تفکر کنند و از آن محافظت نموده و با آن تجدید عهد کرده و به مضامینش، عمل نمایند. اصحاب نیز بنا بر اطاعت امر آن حضرت، رساله را در مساجد خانه‌های خود می‌گذاشتند و چون از نماز فارغ می‌شدند، در آن تفکر می‌نمودند تا به امر حضرت عمل کرده و بدین وسیله مضامین آن را فراموش نکنند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۵: ۷-۸).

نامه‌ی مذکور در آغاز بخش روضه کتاب الکافی قرار گرفته است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۵: ۷). همچنین متن نامه به‌صورت خلاصه در تحف العقول (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ۳۱۳-۳۱۵)، وسائل الشیعة (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۶: ۲۰۷؛ ۲۷: ۳۷-۳۸)، بخشی از نامه در الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل) (حر عاملی، ۱۴۱۸ق، ۱: ۵۵۱)، در جلد‌های متعدد مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (نوری، ۱۴۰۸ق، ۵: ۲۵۷؛ ۷: ۳۴؛ ۹: ۱۴ و ۱۰۴؛ ۱۱: ۳۳۷ و ۳۶۷؛ ۱۲: ۲۳۳ و ۳۲۵)، سفینه البحار (قمی، ۱۴۱۴ق، ۳: ۳۵۲-۳۵۳) و جامع احادیث الشیعة (بروجردی، ۱۳۸۶ش، ۲۳: ۷۳۰) آمده است.

در برخی منابع، شرح نامه با نگاه تفسیری آمده است؛ به‌طور نمونه: شرح مازندرانی بر الکافی که در آن متن و شرح نامه به‌صورت کامل بیان شده است (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ۱۱: ۱۴۱). در بضاعة المزجاة نیز نامه به‌صورت کامل آمده و مؤلف به توضیح کلمات و شرح آن پرداخته است (ابن قاریاغدی، ۱۴۲۹ق، ۱: ۶۱). در الوافی متن و شرح نامه

به صورت کامل آمده است^۱ (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۲۶: ۹۷). سید علاءالدین محمد گلستانه اصفهانی در کتابی مستقل بنام «منهج الیقین» به طور مبسوط به شرح و تفسیر نامه پرداخته و به روایات بسیاری استشهاد کرده است. همچنین در کتاب مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، نامه به صورت کامل آمده ضمن این که مؤلف به شرح آن نیز پرداخته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲۵: ۵). تاکنون نامه‌ی مذکور با رویکرد تحلیل محتوا مورد بررسی قرار نگرفته است.

وجود نوشته‌ای از جانب امام معصوم (ع)، مخاطب قرار دادن تمام اصحاب و ذکر اهمیت توجه به آن در متن نامه از جمله نکاتی است که پژوهش عمیق‌تر در مورد آن را ضروری می‌سازد. یکی از مقوله‌هایی که امام صادق (ع) در نامه به اصحاب بدان توجه داشته، مقوله‌ی شناخت اهل باطل است؛ ضرورت شناخت اهل باطل بدین علت می‌باشد که بدون شناخت این گروه، امکان مقابله با آن‌ها وجود نخواهد داشت. این شناخت گرچه همیشه مورد نیاز است اما در عصر حضرت که عصری منحصر به فرد به لحاظ نهضت‌ها و انقلاب‌های فکری و سیاسی است، اهمیتی دوچندان داشته است؛ چراکه به گفته‌ی محققان در زمان امام صادق (ع) با توجه به گذشت تقریباً یک قرن و نیم از ظهور اسلام و به دلیل فتوحات اسلامی، تازه مسلمانان از ملت‌های مختلف وارد جهان اسلام شده بودند. زنادقه که خدا و دین و پیغمبر را انکار می‌کردند به دلایل سیاسی آزادی عمل داشتند؛ جریان تصوف ظهور یافته و فقهایی پیدا شده بودند که فقه را بر اساس رأی و قیاس استنباط می‌کردند. این جریان‌ها در کنار انحرافات و بدعت‌هایی که امویان در دین ایجاد کرده بودند؛ همچنین باز شدن باب ترجمه در زمان بنی‌امیه و آشنایی مسلمانان با عقایدی که بیشتر آن‌ها، اسلام را تهدید می‌کرد (مطهری، ۱۳۷۸ش، ۶۵) ضرورت شناخت اهل باطل را بیشتر می‌نمود. در پژوهش حاضر مقوله‌ی «شناخت اهل باطل» در نامه‌ی مذکور با روش تحلیل مضمونی مورد واکاوی قرار گرفته است. بر این اساس تلاش خواهد شد تا این مسئله تبیین گردد که الگوی شناخت اهل باطل در نامه‌ی امام صادق (ع) به اصحاب چگونه ترسیم می‌شود؟

تحقیق حاضر از فن تحلیل محتوای مضمونی بهره برده است. تحلیل مضمونی از شاخه‌های تحلیل محتواست. تحلیل محتوا از فنون تحقیق است که در آن محورهای یا خطوط اصلی محتوا شناخته و برجسته می‌شود. انجام یک تحلیل مضمونی عبارت از ۱. اگرچه کلمات نامه در نسخه‌ی الوافی، نقصان و یا زیادتی نسبت به نسخه‌ی کلینی ندارد؛ اما ترتیب عبارات نامه در نسخه‌ی الوافی، با نسخه‌ی کلینی متفاوت است.

یافتن «هسته‌های معنی‌داری» است که ارتباط را تشکیل می‌دهند و حضور و فراوانی آن‌ها برای هدفی که برای تحلیل انتخاب شده است، بیانگر معنایی خواهد بود (باردن، ۱۳۷۴ش، ۱۲۰). تحلیل محتوا، به دو گونه‌ی کمی و کیفی تقسیم می‌شود. روش‌های تحقیقات کمی عموماً برای پاسخ‌گویی به سؤالاتی مانند چند؟ چقدر؟ یا چیست؟ طراحی و اجرا می‌شوند؛ درحالی‌که در تحقیق کیفی بیشتر با پرسش‌های چرا و چگونه سر و کار داریم (فیضی، ۱۳۹۴ش، ۲۱). در مجموع تحلیل محتوای کمی و کیفی، هر دو راه‌هایی برای رسیدن به استنباط هستند.

مراحل مختلف تحلیل محتوا در اطراف سه قطب دور می‌زند که از نظر زمانی پشت سر هم قرار می‌گیرند. ۱- تحلیل ابتدایی ۲- به دست آوردن مواد اولیه تحقیق ۳- بررسی نتایج، استنباط و تفسیر (باردن، ۱۳۷۴ش، ۱۰۷). در تحلیل محتوای نامه‌ی مذکور، از فن تحلیل محتوای مضمونی بر مبنای واحد جملات، به‌صورت کمی و کیفی استفاده‌شده است. از آنجاکه واحد تقطیع در پژوهش پیش رو جمله است؛ اولین قدم در تحلیل تفکیک متن به‌صورت جمله به جمله می‌باشد. جملات تقطیع شده در جدول تحلیل محتوا درج می‌گردد. سپس مفاهیم مستخرج از هر جمله در قالب گزاره‌هایی به‌عنوان مضمون، روبه روی آن جمله قرار می‌گیرند. دستیابی به مضامین، مستلزم مطالعه عمیق و دقیق متن و تأمل جامع بر آن است. در گام بعدی، تحلیل محتوای کمی بر مبنای اطلاعات استخراج‌شده از جداول تحلیل محتوا صورت می‌گیرد. نتایج حاصل از تحلیل محتوای کمی به همراه یادداشت‌های نظری نگارنده و مطالعات کتابخانه‌ای، اساس و مواد اولیه‌ی مرحله‌ی تحلیل کیفی را تشکیل می‌دهد.

۲. بررسی سندی نامه امام صادق (ع) به اصحاب

کلینی این نامه را به دو سند نقل نموده است:

سند اول، طریق اسماعیل بن جابر و سند دوم، طریق قاسم بن ربیع صحّاف است. روایت اسماعیل بن جابر، اضافاتی بر روایت قاسم بن ربیع داشته که کلینی، پس از پایان روایت قاسم، آن افزوده را درج نموده است.

سند اول، طریق اسماعیل بن جابر: «محمد بن یعقوب الکلینی، قال: حدّثنی علی بن ابراهیم، عن اَبیه، عن ابن فضّال، عن حفص المؤدّن، عن اَبی عبدالله (ع) و عن محمد بن اسماعیل بن بزیع، عن محمد بن سنان، عن اسماعیل بن جابر، عن اَبی عبدالله (ع)» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۵: ۷).

در سند مذکور تحویل وجود دارد. تحویل، اصطلاحی حدیثی به معنای انتقال از سندی به سند دیگر است (قاسمی، ۱۴۲۷ق، ۲۱۷-۲۱۸) بدین معنا که گاه برخی از روایات، چند سند دارد و بخش یا بخش‌هایی از این اسناد با هم مشترک‌اند؛ نویسنده برای مشخص کردن متعدد بودن اسناد، بخش مشترک اسناد را با حرف عطف بیان می‌کند که به این روش تحویل گفته می‌شود. لذا این سند در واقع قابل تفکیک به دو سند یا طریق می‌باشد.

طریق اول: «محمد بن یعقوب الكليني قال حدثني علي بن ابراهيم عن ابيه عن ابن فضال عن حفص المؤذن عن ابي عبدالله (ع)».

طریق دوم: «محمد بن يعقوب الكليني قال حدثني علي بن ابراهيم عن ابيه عن محمد بن اسماعيل بن بزيع عن محمد بن سنان عن اسماعيل بن جابر عن ابي عبدالله (ع)». در طریق اول، محمد بن یعقوب کلینی در کتب رجالی، ثقه و امامی (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۳۷۸؛ طوسی، ۱۳۸۱ق، ۴۳۹؛ طوسی، بی‌تا، ۳۹۵؛ حلی، ۱۴۱۱ق، ۱۴۵) علی بن ابراهیم نیز ثقه و امامی (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۲۶۰؛ حلی، ۱۴۱۱ق، ۱۰۰) توصیف شده‌اند. در مورد پدر علی ابن ابراهیم یعنی ابراهیم بن هاشم قمی نیز در کتب رجالی توصیفات، امامی، ثقه جلیل علی التحقیق آمده است (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۱۶؛ طوسی، بی‌تا، ۱۲؛ حلی، ۱۴۱۱ق، ۵). در مورد ابن فضال، توصیف‌های متفاوتی در کتب رجال آمده است؛ در رجال کشی یک‌بار از اصحاب اجماع (کشی، ۱۳۴۸ش، ۵۵۶) و بار دیگر فطحی (کشی، ۱۳۴۸ش، ۵۶۵) نام‌برده شده، برخی او را از اصحاب جلیل (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۱۲۰) و برخی نیز ثقه (طوسی، ۱۳۸۱ق، ۳۵۴) توصیف کرده‌اند. از حفص المؤذن نیز در کتب ثمانیه رجالی توصیفی نیامده است و آیت‌الله خویی او را مجهول می‌داند (موسوی خویی، ۱۳۶۹ش، ۷: ۲۳۹).

در طریق دوم محمد بن اسماعیل بن بزیع، ثقه جلیل (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۳۳۱؛ حلی، ۱۴۱۱ق، ۱۴۰) ثقه صحیح (طوسی، ۱۳۸۱ق، ۳۶۴) و محمد بن سنان امامی صحیح‌المذهب ظاهراً (کشی، ۱۳۴۸ش، ۵۰۸ و ۵۸۲) اسماعیل بن جابر نیز ثقه ممدوح (طوسی، ۱۳۸۱ق، ۱۲۴؛ حلی، ۱۴۱۱ق، ۸) توصیف شده‌اند؛ بنابراین، در این طریق راویان به وثاقت یا امامی مذهب بودن توصیف شده‌اند.

۱. در مورد محمد بن سنان اقوال رجالی مختلفی وجود دارد. شیخ مفید وی را ثقه دانسته (حلی، ۱۴۱۱ق، ۲۵۱) در مواردی ممدوح توصیف شده (کشی، ۱۳۴۸ش، ۵۰۲-۵۰۴) و در مواردی ضعیف قلمداد گشته است (ابن‌غضائری، ۱۳۶۴ق، ۹۲؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۳۲۸؛ طوسی، ۱۳۸۱ق، ۳۶۴؛ طوسی، بی‌تا، ۴۰۷). علامه حلی نیز به دلیل این اختلاف اقوال، در مورد او رأی به توقف داده است (حلی، ۱۴۱۱ق، ۲۵۱).

سند دوم: «محمد بن یعقوب الكلینی قال و حدثني الحسن بن محمد عن جعفر بن محمد بن مالک الكوفی عن القاسم بن الربیع الصحاف عن اسماعیل بن مخلد السراج عن أبي عبدالله (ع)» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۵: ۸).

در این سند حسن بن محمد که در کتب رجالی از او با نام حسین بن محمد ملقب به اشعری قمی یاد شده، ثقه توصیف شده است (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۶۶؛ حلی، ۱۴۱۱ق، ۵۲). اقوال رجالی در مورد جعفر بن محمد بن مالک مختلف است؛ برخی او را متروک الحدیث (ابن غضائری، ۱۳۶۴ق، ۴۸؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۱۲۲) و برخی، ثقه (طوسی، ۱۳۸۱ق، ۴۱۸) دانسته‌اند. قاسم بن ربیع صحاف ضعیف توصیف شده است (ابن غضائری، ۱۳۶۴ق، ۸۶؛ حلی، ۱۴۱۱ق، ۲۴۸). درباره اسماعیل بن مخلد سراج در کتب ثمانیه رجالی اطلاعی نیست و آیت‌الله خویی او را ظاهراً همان اسماعیل السراج می‌داند که از یونس بن یعقوب و علی بن مهزیار روایت کرده است (موسوی خویی، ۱۳۶۹ش، ۳: ۲۰۵).

ملاصالح مازندرانی ضمن پرداختن به شرح نامه در مورد متن و سند آن می‌گوید: در نظر متأخران همه طرق حدیث ضعیف است؛ لکن آثار صحت از مضمون و محتوای نامه مشخص می‌شود و عقل و نقل آن را تأیید می‌کند (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ۱۱: ۱۴۱). ابن قاریاغدی ضمن آن‌که طریق دوم روایت را در نزد برخی معتبر برمی‌شمرد؛ اسناد روایت را ضعیف و مجهول دانسته اما معتقد است آثار صحت از سیاق نامه مشخص می‌گردد و مضامین و حکمت‌های نامه با عقل و نقل تأیید می‌شود (ابن قاریاغدی، ۱۴۲۹ق، ۱: ۷۴). علامه مجلسی نیز طریق دوم را به دلیل وجود ابن سنان نزد قوم ضعیف برمی‌شمرد؛ لکن خودش این طریق را معتبر دانسته است. ضمن آن‌که سایر سندها را ضعیف و مجهول برمی‌شمرد (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۵: ۵-۶).

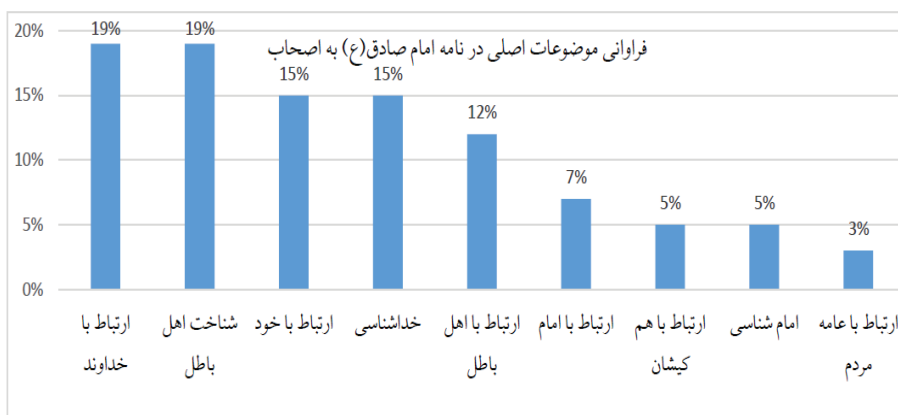
وجود سندی از این روایت که راویان در آن به وثاقت یا امامی مذهب بودن توصیف شده‌اند و معتبر بودن این سند در نزد برخی علماء، مشخص بودن آثار صحت از مضمون و محتوای نامه و تأیید این محتوا با عقل و نقل، وجود نامه در کتب معتبر، پرداختن علمای بزرگ به شرح نامه در مجموعه‌های روایی معتبر و گاهی به صورت مستقل و مفصل، از جمله دلایل گزینش این محتوا بوده است.

۳. جدول تحلیل محتوای کمی نامه امام صادق (ع) به اصحاب

اولین مرحله‌ی عملی تحلیل محتوا، ترسیم جدول تحلیل کمی است. در جدول تحلیل

کمی، متن نامه، بر مبنای واحد جمله تقطیع شده سپس مضامین اصلی و فرعی هر جمله معین و به آن‌ها کدهایی اختصاص داده شده و در جدول ثبت گشته است. نتایج حاصل از تحلیل محتوای کمی نشان می‌دهد «شناخت اهل باطل» یکی از مقوله‌های مورد توجه حضرت در نامه به اصحاب است؛ به گونه‌ای که مطابق با نمودار شماره ۱ موضوعات اصلی مرتبط با این مقوله در نامه، یکی از بیشترین فراوانی‌ها را به خود اختصاص داده است. این مطلب می‌تواند نشان‌دهنده‌ی ضرورت شناخت این گروه از افراد در دیدگاه امام صادق (ع) و تأکید حضرت بر متوجه ساختن اصحاب به شناخت آن‌ها باشد.

نمودار ۱. میزان فراوانی موضوعات اصلی در نامه امام صادق (ع) به اصحاب



جدول تحلیل محتوای کمی این نامه جدول بسیار مفصلی است. از آنجاکه موضوع مقاله، شناخت اهل باطل در نامه‌ی مذکور می‌باشد، به جهت رعایت اختصار، بخش‌های مرتبط با این موضوع در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

۱-۳. راهنمای کدگذاری جدول تحلیل محتوای کمی نامه امام صادق (ع) به اصحاب

شماره ردیف که از ترکیب حروف لاتین R یا r به همراه عدد تشکیل شده، نشان‌دهنده‌ی شماره تقطیع جملات و مضامین اصلی است. از آنجاکه روایت یکی از رویان نامه (اسماعیل بن جابر) اضافاتی نسبت به روایت راوی دیگر (قاسم بن رفیع) دارد، کدهایی که با حرف R آغاز شده‌اند، نشان‌دهنده‌ی مضامین اصلی استخراج شده از بخشی از نامه است که هر دو راوی آن را روایت کرده‌اند و کدهای حاوی حرف r، مضامین اصلی

استخراج شده از بخشی از نامه هستند که تنها اسماعیل بن جابر آن را روایت کرده است. در ستون متن، جملات تقطیع شده‌ی نامه قرار گرفته است. مضامین اصلی و فرعی هر جمله نیز در ستون‌های مربوطه مشخص شده‌اند. به مضامین فرعی کدهایی اختصاص داده شده، این کدها متشکل از حروف لاتین به همراه عدد است. کدهای دارای حرف B، نشان‌دهنده‌ی مضامین فرعی استخراج شده از بخشی از نامه است که هر دو راوی آن را روایت نموده‌اند و کدهای حاوی حرف C، مضامین فرعی استخراج شده از بخش دیگر را نشان می‌دهند. مضامین فرعی استخراج شده از آیات قرآن (که در نامه به آن‌ها استناد شده) به ترتیب با حروف BQ و CQ مشخص شده‌اند؛ عدد نیز بیانگر شماره مضمون استخراج شده در جدول تحلیل محتواست. بدین ترتیب با توجه به راهنمای کدگذاری به محض مواجه شدن با کد مضمون، مشخص می‌گردد که این مضمون از چه جمله‌ای استنباط شده است.

جدول ۱. تحلیل محتوای کمی مباحث مرتبط با شناخت اهل باطل در نامه امام صادق (ع)

به اصحاب

کد	مضامین فرعی	مضمون اصلی	متن	ردیف
B9	ستم رساندن اهل باطل به اهل حق	ارتباط با اهل باطل	تَحَمَّلُوا الضَّيْمَ مِنْهُمْ	R6
B14	آزار رساندن اهل باطل به اهل حق	خصوصیات اهل باطل	فَإِذَا ابْتُلِيْتُمْ ... سَيُؤْذِيكُمْ	R11
B15	نارضایتی آشکار در چهره	خصوصیات اهل باطل	وَ تَعْرِفُونَ فِي وُجُوهِهِمُ الْمُنْكَرَ	R12
B17	تصمیم یورش اهل باطل بر اهل حق	هدف اهل باطل	وَ لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ... لَسَطُوا بِكُمْ	R13
B18	خشم و بغض زیاد اهل باطل از اهل حق	خصوصیات اهل باطل	وَ مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنَ الْعَدَاوَةِ وَ الْبَغْضَاءِ أَكْثَرُ مِمَّا يُبْدُونَ لَكُمْ	R14
B19	نفاق اهل باطل			
B29	عدم رعایت اصول اخلاقی (عدم حسن معاشرت)	خصوصیات اهل باطل	وَ هُمْ لَا مُجَامَلَةَ لَهُمْ	R23
B30	عدم رعایت اصول اخلاقی (عدم صبر)	خصوصیات اهل باطل	وَ لَا صَبْرَ لَهُمْ عَلَى شَيْءٍ مِنْ أُمُورِكُمْ	R24
B34	خیر نداشتن اهل باطل	خصوصیات اهل باطل	وَ هُمْ لَا خَيْرَ عِنْدَهُمْ	R27

ردیف	متن	مضمون اصلی	مضامین فرعی	کد
R29	فَأَنَّهُمْ إِن سَمِعُوا ... اسْتَقْبَلُوكُمْ بِمَا تَكْرَهُونَ	خصوصیات اهل باطل	دشمنی در مورد اصول دین با اهل حق	B36
			تلاش در جهت نابودی اهل حق	B38
			ایجاد وضعیت ناخوشایند برای اهل حق	B39
R44	وَلَا تَتَّبِعُوا لَهَا لِمَنْ رَغِبَ عَنْ صِفَتِكُمْ وَ عَادَاكُمْ عَلَيْهَا وَ بَغَى لَكُمْ الْغَوَائِلَ	خصوصیات اهل باطل	روگردانی اهل باطل از عقیده اهل حق	B57
			عقیده (مذهب) موضوع دشمنی اهل باطل	B58
			توطئه‌چینی اهل باطل	B59
R74	وَمِنَ الَّذِينَ سَمَّاهُمُ اللَّهُ ... يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ	خصوصیات اهل باطل	راهنمایی کردن به سوی آتش	B104
R88	وَهُمُ الَّذِينَ لَا يَزْعُبُ عَنْهُمْ ... فِي أَصْلِ الْخَلْقِ تَحْتَ الْأُظْلَةِ	خصوصیات اهل باطل	عدم تمایل افراد شقی به درخواست از اهل ذکر و بهره‌مندی از علمشان	B137
R89	فَأُولَئِكَ الَّذِينَ يَزْعَبُونَ عَنْ ... أَمَرَ بِسُؤَالِهِمْ	خصوصیات اهل باطل	روگردانی افراد شقی از سؤال کردن از اهل ذکر	B140
R90	وَأُولَئِكَ الَّذِينَ يَأْخُذُونَ بِأَهْوَانِهِمْ وَ آرَائِهِمْ وَ مَقَائِسِهِمْ حَتَّى دَخَلَهُمُ الشَّيْطَانُ	خصوصیات اهل باطل	طبق هوا و رأی و قیاس‌های خود رفتار کردن	B143
			نفوذ شیطان در افراد شقی	B144
R91	لَا يَنْهَى جَعَلُوا أَهْلَ الْإِيمَانِ فِي عِلْمِ الْقُرْآنِ عِنْدَ اللَّهِ كَافِرِينَ	خصوصیات اهل باطل	وارونه کردن احکام الهی	B145
R92	وَ جَعَلُوا أَهْلَ الضَّلَالَةِ فِي عِلْمِ الْقُرْآنِ عِنْدَ اللَّهِ مُؤْمِنِينَ	خصوصیات اهل باطل	وارونه کردن احکام الهی	B146
R93	وَ حَتَّى جَعَلُوا مَا أَحَلَّ اللَّهُ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأُمْرِ حَرَامًا	خصوصیات اهل باطل	وارونه کردن احکام الهی	B147
R94	وَ جَعَلُوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ ... نَمْرَةً أَهْوَانَهُمْ	خصوصیات اهل باطل	مخالفت با دستورات الهی ثمره پیروی از هوای نفس	B148
R95	وَ قَدْ عَهَدَ إِلَيْهِمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ	واقعه غدیر خم	توجه به تاریخ	B149

ردیف	متن	مضمون اصلی	مضامین فرعی	کد
R96	فَقَالُوا نَحْنُ بَعْدَ مَا قَبَضَ اللَّهُ ... مُخَالِفًا لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ	مصدق اهل باطل	نقض پیمان در ماجرای سقیفه بنی ساعده	B150
			مخالفت با دستورات الهی در ماجرای سقیفه بنی ساعده	B152
			ماجرای سقیفه بنی ساعده	B153
R97	فَمَا أَحَدٌ أَجْرًا عَلَى اللَّهِ ... زَعَمَ أَنَّ ذَلِكَ يَسَعُهُ	مصدق اهل باطل	آشکارترین گمراهی	B154
			معرفی جسورترین افراد بر خداوند	B155
R98	وَ اللَّهُ إِنَّ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ أَنْ يُطِيعُوهُ وَ يَتَّبِعُوا أَمْرَهُ فِي حَيَاةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ بَعْدَ مَوْتِهِ	طاعت خداوند	اطاعت و پیروی از دستورات، حق خداوند بر مردم	B157
			ثابت بودن حق خداوند بر مردم در حیات و ممات حضرت محمد (ص)	B158
R99	هَلْ يَسْتَطِيعُ أُولَئِكَ - أَعْدَاءُ اللَّهِ - أَنْ يَزْعُمُوا ... قَبْضِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ	طاعت خداوند	اهل باطل، دشمنان خدا	B159
			ثابت بودن مسئله پیروی و اطاعت از خداوند در حیات و ممات حضرت محمد (ص)	B160
			استدلال برای عدم جواز پیروی از رأی و قیاس	B161
R100	وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ وَ قَوْلُهُ الْحَقُّ - وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ ... سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (آل عمران: ۱۴۴).	طاعت خداوند	ثابت بودن حق خداوند بر مردم در حیات و ممات حضرت محمد (ص)	BQ162
R101	وَ ذَلِكَ لِيَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُطَاعُ، وَ يُتَّبَعُ أَمْرُهُ فِي حَيَاةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ بَعْدَ قَبْضِ اللَّهِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ	طاعت خداوند	ثابت بودن اطاعت و پیروی از دستورات خدا در حیات و ممات پیامبر (ص)	B165
R102	وَ كَمَا لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ ... لَا مَقَابِسَهُ	عدم جواز پیروی از هوا و رأی و قیاس	استدلال برای عدم جواز پیروی از هوای نفس و قیاس	B166

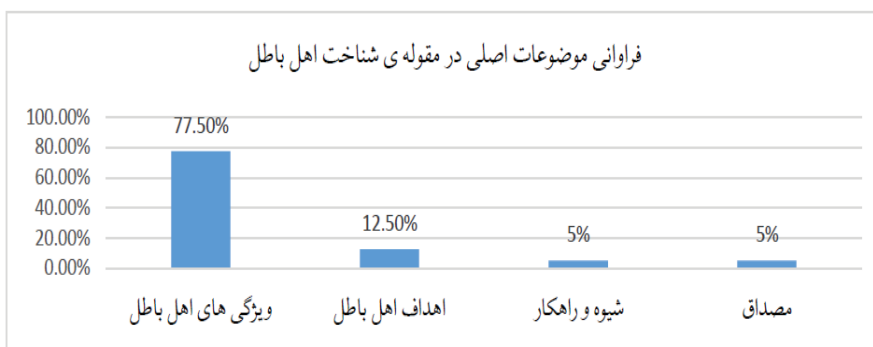
ردیف	متن	مضمون اصلی	مضامین فرعی	کد
R122	فَإِنَّ أَضَلَّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَرَأْيَهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ	خصوصیات اهل باطل	پیروی کنندگان هوای نفس بدون راهنمایی از سوی خدا گمراه‌ترین مردم	B195
r29	فَإِنَّ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهَ... شَيْطَانِيْنُ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ	خصوصیات اهل باطل	هر کس که شایسته صفت حق نیست از شیاطین انس و جن است.	C39
r30	فَإِنَّ لَشَيْطَانِيْنِ الْإِنْسِ... بَعْضِهِمْ إِلَى بَعْضٍ	شیوه و راهکار اهل باطل	تأکید بر وسوسه‌گری شیاطین انس	C40
r31	يُرِيدُونَ إِنْ اسْتَطَاعُوا... لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ شَيْطَانِيْنِ الْإِنْسِ مِنْ أَهْلِهِ	هدف اهل باطل	C41	منحرف کردن اهل حق از تدبر در دین خدا
			C42	اهل دقت در دین نبودن شیاطین انس
r32	إِرَادَةٌ أَنْ يَسْتَوِيَ أَعْدَاءُ اللَّهِ... فَيَكُونُونَ سَوَاءً	هدف اهل باطل	C44	مبتلا کردن اهل حق به شک و انکار و تکذیب
			C45	در شک و انکار و تکذیب بودن دشمنان خدا
r33	كَمَا وَصَفَ اللَّهُ تَعَالَى... فَتَكُونُونَ سَوَاءً	هدف اهل باطل	کافر کردن اهل حق	CQ46
r36	وَلَا يَرْذُقْكُمْ عَنِ النَّصْرِ بِالْحَقِّ... وَمَكْرِهِمْ	ارتباط با اهل باطل	هشدار بر وسوسه‌گری شیاطین انس برای دست کشیدن اهل حق از یاری حق	C51
r37	وَجِبَلُهُمْ وَسْوَاسٌ بَعْضِهِمْ إِلَى بَعْضٍ	شیوه و راهکار اهل باطل	تعیین وسوسه یکدیگر به‌عنوان روش حيله و چاره‌اندیشی اهل باطل	C52
r38	فَإِنَّ أَعْدَاءَ اللَّهِ إِنْ اسْتَطَاعُوا صَدُّوْكُمْ عَنِ الْحَقِّ	هدف اهل باطل	C53	تلاش اهل باطل برای بازداشتن مؤمنان از حق
			C54	اهل باطل دشمنان خدا
r67	وَ حَتَّى يَسْتَذِلُّوْكُمْ	خصوصیات اهل باطل	خوار شمردن اهل حق	C101
r68	وَيُبْغِضُوْكُمْ	خصوصیات اهل باطل	کینه‌توزی نسبت به اهل حق	C102
r69	وَ حَتَّى يُحْمَلُوا عَلَيْكُمْ الضَّمِيمِ	خصوصیات اهل باطل	تحمیل ستم	C103

ردیف	متن	مضمون اصلی	مضامین فرعی	کد
r72	وَ حَتَّى تَكْظُمُوا الْعِظَ الشَّدِيدَ ...يُحْتَرُّمُونَهُ إِلَيْكُمْ	ارتباط با اهل باطل	آزار رسانی دشمنان خدا	C109
r73	وَ حَتَّى يَكْذِبُوكُمْ بِالْحَقِّ	خصوصیات اهل باطل	تکذیب اهل حق	C110
r74	وَ يُعَادُوكُمْ فِيهِ	خصوصیات اهل باطل	دشمنی با اهل حق	C111
r75	وَ يُبْغِضُوكُمْ عَلَيْهِ	خصوصیات اهل باطل	کینه‌توزی (نسبت به اهل حق به دلیل پیروی ایشان از حق)	C112
r79	ثُمَّ قَالَ وَإِنْ يَكْذِبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ	خصوصیات اهل باطل	تکذیب اهل حق	CQ119
r80	فَقَدْ كَذَّبَ نَبِيُّ اللَّهِ وَالرُّسُلُ مِنْ قَبْلِهِ وَ أُوذُوا مَعَ التَّكْذِيبِ بِالْحَقِّ	خصوصیات اهل باطل	آزار رسانی و تکذیب اهل حق (نبی‌الله و رسولان قبل از او)	C121
r92	وَ إِذَا لَمْ يُرِدِ اللَّهُ بَعْدَ خَيْرًا وَ كَلَهُ إِلَى نَفْسِهِ	افعال خداوند	واگذاری بنده به خود	C143
r93	وَ كَانَ صَدْرُهُ ضَيْقًا حَرَجًا	خصوصیات اهل باطل	گرفتگی سینه	C144
r94	فَإِنْ جَرَى عَلَى لِسَانِهِ حَقٌّ لَمْ يُعْقَدْ قَلْبُهُ عَلَيْهِ	خصوصیات اهل باطل	دل به سخن حق ندادن	C145
r95	وَ إِذَا لَمْ يُعْقَدْ قَلْبُهُ عَلَيْهِ لَمْ يُعْطِهِ اللَّهُ الْعَمَلَ بِهِ	خصوصیات اهل باطل	به حق عمل نکردن	C146
r96	فَإِذَا اجْتَمَعَ ... مِنَ الْمُنَافِقِينَ	خصوصیات اهل باطل	چگونگی منافق شدن	C149
r97	وَ صَارَ مَا جَرَى ... يَوْمَ الْقِيَامَةِ	خصوصیات اهل باطل	سخن گفتن از حق بدون عقیده و عمل	C151

۴. تحلیل محتوای نامه امام صادق (ع) به أصحاب

در این نامه از کسانی که با ستم، نیرنگ و رأی مردم حاکم می‌شوند و برخلاف حکم و امر خدا و امام و طبق هوا و رأی و قیاس عمل کرده و به اهل حق آسیب و آزار می‌رسانند و در

مورد ایشان عداوت می‌کنند؛ با عناوین اهل باطل، دشمنان خدا، افراد شقی، شیاطین انس، ائمه ضلالت، منافق، کافر یاد شده است. موضوعاتی که به شناسایی این دسته از افراد مرتبط است؛ مانند خصوصیات و هدف اهل باطل، شیوه و راهکار ایشان و معرفی مصداق برای این گروه از افراد، در مقوله‌ی «شناخت اهل باطل» قرار گرفته است. نمودار شماره ۲ میزان فراوانی موضوعات اصلی بیان‌شده در مقوله‌ی «شناخت اهل باطل» را نشان می‌دهد. بر این اساس در مقوله‌ی مذکور، بیان خصوصیات اهل باطل بیشتر مورد توجه حضرت بوده است و پرداختن به شیوه و راهکار ایشان و بیان مصداق از این گروه، کمترین فراوانی را داشته است.



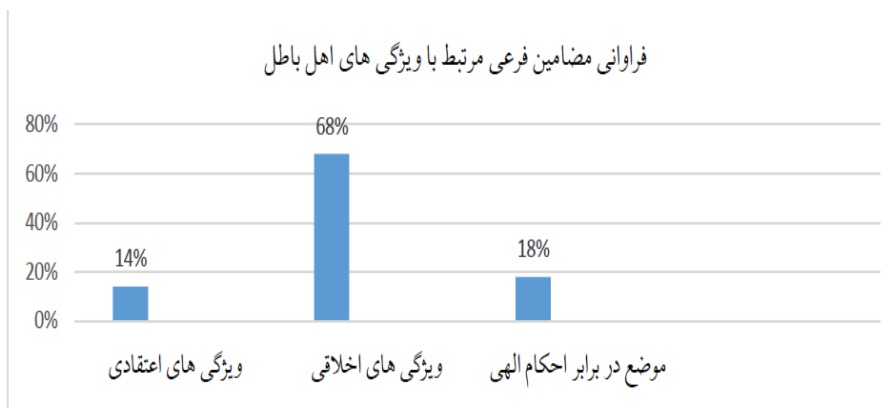
نمودار ۲. میزان فراوانی موضوعات اصلی در مقوله‌ی شناخت اهل باطل

۴-۱. ویژگی‌های اهل باطل

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل محتوای کمی، مطابق با نمودار شماره ۲، میزان فراوانی موضوعات اصلی مرتبط با ویژگی‌های اهل باطل، ۷۷/۵۰٪ است. با توجه به مضامین فرعی استخراج‌شده از جدول تحلیل کمی، امام صادق (ع) از ابعاد اعتقادی، اخلاقی همچنین موضع اهل باطل در برابر احکام الهی، به بررسی ویژگی‌های این دسته از افراد پرداخته است. جدول شماره ۲ مقوله‌بندی موضوعات فرعی مرتبط با ویژگی‌های اهل باطل و نمودار شماره ۳ میزان فراوانی هر یک از این موارد را نشان می‌دهد. بر این اساس بیان ویژگی‌های اخلاقی اهل باطل بیشتر مورد توجه حضرت بوده است.

جدول ۲. مقوله‌بندی مضامین فرعی مرتبط با ویژگی‌های اهل باطل

ردیف	مقوله	موضوعات فرعی
۱	ویژگی‌های اعتقادی اهل باطل	دشمنی در مورد اصول دین و عقیده (مذهب) با اهل حق، در شک و انکار و تکذیب بودن
۲	ویژگی‌های اخلاقی اهل باطل	آزار رسانی و ستم به اهل حق، نارضایتی آشکار در چهره، دشمنی با اهل حق و خشم و بغض زیاد از ایشان، نفاق، نداشتن صبر و حسن معاشرت، خیر نداشتن، توطئه‌چینی، خوار شمردن اهل حق و کینه‌توزی نسبت به ایشان، تکذیب اهل حق
۳	موضع اهل باطل در برابر احکام و دستورات الهی	وارونه کردن احکام الهی و مخالفت با آن‌ها



نمودار ۳. میزان فراوانی مضامین فرعی مرتبط با ویژگی‌های اهل باطل

۴-۱-۱. ویژگی‌های اعتقادی اهل باطل

اهل باطل از نظر اعتقادی در شک و انکار و تکذیب‌اند (C45) و از عقاید اهل حق روگردانند (B57) بنابراین یکی از علل اختلاف اهل باطل با اهل حق، تضاد اعتقادی است که این دو گروه با یکدیگر دارند؛ لذا چنان‌که امام صادق (ع) در نامه بیان می‌فرماید، موضوع دشمنی آن‌ها، اصول دین، عقیده و مذهب اهل حق است (B36، B58).

خداوند متعال در آیات متعددی به شک و تردید اعتقادی اهل باطل اشاره نموده است؛^۱ به طور نمونه می‌فرماید: «وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ» (التوبة: ۱۲۵) در تفسیر این آیه از امام صادق (ع) روایت شده که یعنی شکی بر شکشان می‌افزاید (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ۲: ۱۱۸) و در آیه‌ای دیگر آمده است: «بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ» (الدخان: ۹). علامه طباطبایی در این آیه «بل» را اعراض از مطلبی حذف شده می‌داند و با توجه به سیاق می‌گوید: تقدیر مطلب حذف شده این است که این افراد با رسالت رسول و اوصاف کتابی که بر او نازل شده، صاحب یقین و دارای ایمان نمی‌شوند بلکه همچنان در شک و ریب می‌مانند (طباطبایی، ۱۳۹۷ق، ۱۸: ۱۴۵). اهل باطل از عقاید اهل حق روگردان‌اند (B57). اعراض از حق، سبب فرورفتن در گمراهی می‌شود؛ زیرا انسان یا بر مسیر حق است و یا در مسیر باطل قرار دارد و در این میان راه سومی نیست: «ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنْتَىٰ تُصْرَفُونَ» (یونس: ۳۲) در تفسیر این آیه آمده است که عبارت «فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ» در تقدیر چنین است: «فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ الَّذِي مَعَهُ الْهُدَىٰ إِلَّا الْبَاطِلُ الَّذِي مَعَهُ الضَّلَالُ» پس بعد از حق که هدایت با آن است چیزی به جز باطل که ضلالت به همراه آن است وجود ندارد و کسانی که از حق روی می‌گردانند به چه سوی می‌خواهند بروند باین‌که هدایت همه در طرف حق است و در ضلالت چیزی جز باطل وجود ندارد (طباطبایی، ۱۳۹۷ق، ۱۰: ۵۲).

۴-۱-۲. ویژگی‌های اخلاقی اهل باطل

از جمله ویژگی‌های اهل باطل این است که ایشان از معاشرت با اهل حق ناخشنودند؛ به‌گونه‌ای که این نارضایتی هنگام معاشرت با اهل حق در چهره‌ی ایشان واضح و قابل تشخیص است (B15) و آن به دلیل خشم و بغض زیادی آن‌ها از اهل حق است (B18) این نارضایتی به حدی زیاد است که با وجود نفاق‌ی که اهل باطل دارند (B19) باز هم قابل مخفی شدن نیست و آشکار می‌گردد؛ همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «بَدَتِ الْبُغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ» (آل عمران: ۱۱۸) این جمله بیانگر دشمنی بسیار زیاد، غیرقابل وصف، متنوع و گوناگون آن‌هاست؛ چنان‌که در تفسیر آیه، گفته شده دشمنی آنان آن‌قدر زیاد است که در لحن کلامشان اثر گذاشته است و آیه بدون این‌که بیان کند، در دل‌های خود چه چیز پنهان کرده‌اند، به صورت مبهم فرموده:

۱. از جمله سوره هود: ۶۲، ۱۱۰؛ ابراهیم: ۹؛ التمل: ۶۶؛ سبأ: ۲۱، ۵۴؛ ص: ۸.

«وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ» تا تأکید کند آنچه در سینه دارند قابل وصف نیست؛ چون هم متنوع و گوناگون است و هم آنقدر عظیم است که در وصف نمی‌گنجد (طباطبایی، ۱۳۹۷ق، ۳: ۴۲۶).

اهل باطل همچنین پایبند به رعایت اصول اخلاقی نیستند (B30, B29) آن‌ها اهل حق را مورد ستم و آزار قرار می‌دهند (B14, B9, C103, C109, C121). امام صادق (ع) به مواردی از آزارهایی که از آن‌ها به اهل حق می‌رسد اشاره نموده که خوار شمردن، کینه‌توزی، دشمنی کردن و توطئه‌چینی از جمله‌ی آن‌هاست (C101, C102, C112, B59, C111). لذا اهل باطل دچار رذایل اخلاقی بوده و به لحاظ عملی، مرتکب اعمال زشت می‌شوند.

۳-۱-۴. موضع اهل باطل در برابر احکام الهی

احکام الهی و آنچه خداوند متعال به عنوان حلال و حرام تعیین نموده، قوانینی است که کلیه اعمال انسان از جمله: اعمال فردی و اجتماعی، عبادی و اقتصادی و... را در برمی‌گیرد؛ سازوکار زندگی انسان‌ها را تعیین می‌کند و عمل بر طبق آن، تضمین‌کننده سعادت انسان است. در واقع قوانین شرع برای رهبری فطرت است و حدود و شرایطی که تعیین می‌کند مانع انحراف فطرت می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳ش، ۱۶: ۴۱۸) تا بدین شیوه فطرت از عوارض انحراف در امان مانده و به شکوفایی برسد.

اهل باطل بدون توجه به سازگاری احکام الهی با فطرت انسان و هدف این احکام که رساندن بشر به سعادت است، به واسطه‌ی پیروی از هوای نفس، شیطان و... با این احکام مخالفت نموده و آن‌ها را وارونه می‌کنند. در این مورد حضرت می‌فرماید این گروه از افراد آنچه خداوند حلال نموده را حرام و آنچه حرام نموده حلال می‌انگارند (B147, B148).

۲-۴. عوامل انحراف اهل باطل

علاوه بر ویژگی‌های تزلزل اعتقادی، عدم پایبندی به اصول اخلاقی و وارونه کردن احکام الهی که به‌عنوان مشخصه‌های اهل باطل، در جهت شناخت ایشان می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد؛ امام صادق (ع) به خصوصیات دیگری از این گروه اشاره می‌نماید که می‌تواند به‌عنوان علت و سرچشمه‌ی انحراف اهل باطل در نظر گرفته شود؛ خصوصیات و عواملی که آن‌ها را به سمت انحراف از مسیر حق و مخالفت با دستورات

الهی سوق می‌دهد. در ادامه به بررسی این بسترها پرداخته می‌شود.

اهل باطل، اهل دقت در دین نیستند (C42) و این مسئله سبب انحراف ایشان از راه حق می‌گردد؛ به همین دلیل است که امام صادق (ع) برای تفقه و فهم دین اهمیت زیادی قائل شده و همگان را به فهم دقیق در دین سفارش کرده، می‌فرماید: «تَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَتَّفَقَهُ مِنْكُمْ فَهُوَ أَعْرَابِي»^۱ (برقی، ۱۳۷۱ق، ۱: ۲۲۹). در تفسیر این حدیث گفته شده که «تفقه در دین» به معنای فهم عمیق و از روی دقت و تأمل در دین است و این امر میسر نمی‌شود مگر به فهمیدن دقیق برنامه‌ی دینی. برنامه‌ی دینی در مرحله‌ی اول عبارت است از اعتقادات و معارف اسلامی، در مرحله‌ی دوم آنچه مربوط به تزکیه‌ی نفس و تهذیب اخلاق می‌باشد و در مرحله‌ی سوم احکام و مقررات شرعی است؛ فهمیدن این مراحل و عمل به آن‌ها همان بصیرت یا تفقه در دین است. همچنین واژه‌ی «أعرابی» منسوب به «أعراب» و به معنای عرب‌های بادیه‌نشین هستند که احکام شرعی نمی‌دانند و در این حدیث کسانی که اهل تفقه در دین نیستند از نظر جهالت و نادانی به ایشان توصیف شده‌اند (امینی، ۱۳۹۳ش، ۷۱-۷۲) کسانی که در قرآن نیز از جهت کفر و نفاق مذمت شده و خداوند متعال درباره‌ی ایشان می‌گوید: «الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ» (التوبة: ۹۷).

اهل باطل همچنین تمایلی به درخواست کردن از امامان و بهره‌مندی از علمشان ندارند (B137، B140) و بی‌راهنما و هدایت‌گر الهی، امور خود را می‌گذرانند. آن‌ها به‌جای بهره‌مندی از راهنمایان الهی، طبق هوای نفس خود رفتار می‌کنند (B148) در نتیجه شیطان نیز در ایشان نفوذ کرده و هدایتشان را به دست می‌گیرد (B144) لذا با دستورات الهی مخالفت می‌کنند (B147) بعلاوه این گروه دچار اشتباه در تشخیص هستند و کسانی که در نزد خداوند و در علم قرآن، اهل ایمان هستند را کافر می‌دانند و کسانی که در نزد خداوند و در علم قرآن، اهل گمراهی هستند را مؤمن برمی‌شمارند (R91، R92).

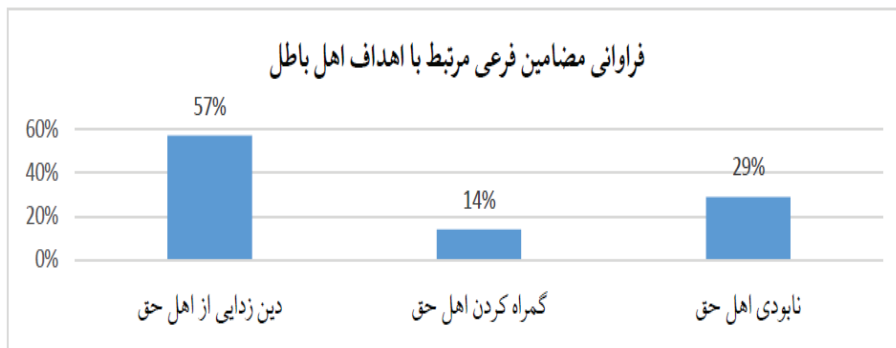
اهل باطل به دلیل این ویژگی‌ها و انحرافات، دچار کیفر الهی می‌گردند. یکی از کیفرهای افراد گناه‌کار و گمراه این است که خداوند به آن‌ها مهلت داده تا به هر نحو که می‌خواهند به زندگی خود ادامه دهند و آن‌ها را در گمراهی و ضلالتشان باقی می‌گذارد تا در اثر سرگرمی با دنیا، به طور کلی از حق منحرف گردیده و در سرکشی خود سرگردان

۱. در دین فهم عمیق و دقیق داشته باشید، پس قطعاً کسی از شما که در دین فهم دقیق نداشته باشد اعرابی است.

بمانند (طبرسی، ۱۳۷۹ق، ۳: ۵۲۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۷ق، ۱۴: ۱۰۸). چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: «ذَرُّهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» (الحجر: ۳). بنابراین واگذار شدن بنده به خود توسط خداوند، یکی دیگر از علل انحراف اهل باطل است؛ دلیلی که امام صادق (ع) نیز در نامه بدان اشاره می‌نماید (C143) و می‌فرماید در نتیجه‌ی این امر، اهل باطل دچار «ضیق صدر» می‌گردند؛ دل به سخن حق نداده و به آن عمل نمی‌کنند و این حق ناپذیری تا جایی است که حتی ممکن است از حق سخن بگویند اما به آن عقیده نداشته و بدان عمل نکنند (C144, C145, C146, C151). بر این اساس علل انحراف اهل باطل عبارت‌اند از: دوری کردن از امامان و در نتیجه تشخیص نادرست، حق ناپذیری، ضیق صدر، بی‌توجهی به دین و مخالفت با دستورات الهی، پیروی از هوای نفس، نفوذ شیطان در ایشان و در نتیجه واگذار شدن به خود توسط خداوند.

۳-۴. اهداف اهل باطل

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل محتوای کمی، مطابق با نمودار شماره ۲، میزان فراوانی موضوعات اصلی مرتبط با اهداف در مقوله‌ی شناخت اهل باطل، ۵/۱۲٪ است. با توجه به مضامین فرعی استخراج‌شده از جدول تحلیل محتوای کمی، امام صادق (ع) به اهداف دین‌زدایی از اهل حق، گمراه کردن و نابودی اهل حق اشاره کرده است. نمودار شماره ۴ میزان فراوانی مضامین فرعی مرتبط با اهداف اهل باطل را نشان می‌دهد. بر این اساس دین‌زدایی از اهل حق، هدفی است که امام صادق (ع) با بیشترین فراوانی بر آن تأکید نموده است.



نمودار ۴. میزان فراوانی مضامین فرعی مرتبط با اهداف اهل باطل

۴-۳-۱. دین‌زدایی از اهل حق

اهل باطل اگر بتوانند خواهان این هستند که اهل حق را از تدبر در دین خدا منحرف کرده (C41) و از راه حق بازدارند (C53) تا اهل حق نیز همانند آن‌ها به شک و انکار و تکذیب مبتلا گشته (C44) و کافر گردند (CQ46) چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: «وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً» (النساء: ۸۹) همچنین می‌فرماید: «إِنَّ يَتَّقُوا لَكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَسْطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ» (الممتحنة: ۲).

ایشان نه تنها خود به حکم خدا و رسول تن نمی‌دهند بلکه تلاش می‌کنند مانع پیوستن دیگران به رسول خدا (ص) و حکم او شوند: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُتَنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا» (النساء: ۶۱) «صد عنه» به معنای اعراض است و جمله‌ی «إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ» به منزله‌ی این است که فرموده باشد «الی حکم الله و الی من یحکم به» و آیه لحن تأسف دارد و این ابراز تأسف از عمل کسانی است که معتقدند ایمان دارند به آنچه خدا نازل کرده و تجاهر به اعراض از کتاب خدا ندارند و به داشتن ایمان به آنچه خدا نازل کرده تظاهر می‌کنند و در عین حال از رسول او اعراض می‌کنند لذا از این جا روشن می‌شود فرق گذاشتن بین خدا و رسول او و تسلیم حکم خدا بودن و توقف در حکم رسول، بدون شک نفاق است (طباطبایی، ۱۳۹۷ق، ۴: ۴۲۹).

۴-۳-۲. گمراه کردن اهل حق

اهل باطل پیشوایانی هستند که به سوی آتش رهبری می‌کنند (B104). حضرت در این زمینه اشاره تلویحی به آیه‌ی ۴۱ سوره قصص می‌کند که در آن خداوند متعال می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ» (القصص: ۴۱). علامه طباطبایی مراد از کلمه آتش را در این آیه، کارهای مستوجب آتش تفسیر می‌کند که به‌طور مجاز و از باب اطلاق مسبب و اراده سبب، آتش نامیده شده و دعوت به آتش را دعوت به کارهایی که مستوجب آتش است معنا می‌کند؛ همچنین پیشوایی در دعوت به سوی آتش را پیش‌قدم بودن آن‌ها در کفر و گناه و در نتیجه اقتدا کردن دیگران به ایشان تفسیر می‌نماید (طباطبایی، ۱۳۹۷ق، ۱۶: ۳۷).

۴-۳-۳. نابودی اهل حق

حق و باطل همواره در برابر هم قرار دارند؛ از این رو دشمنی میان آن دو نیز همواره وجود خواهد داشت؛ خداوند متعال در قرآن به این مطلب اشاره داشته می‌فرماید: «وَبَدَأَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ» (الممتحنة: ۴). این دشمنی آثاری دارد؛ یکی از آثار آن تلاش در جهت نابودی یکدیگر است که در مورد اهل حق، به دلیل التزام ایشان به دستورات الهی از مدار حق بیرون نمی‌رود؛ اما اهل باطل چنین رویه‌ای نداشته و از هر ابزاری برای نابودی حق و اهل آن بهره می‌گیرند؛ لذا همان‌گونه که حضرت بیان می‌فرماید، اهل باطل در جهت نابودی اهل حق تلاش می‌کنند (B38) و تصمیم یورش بر اهل حق را دارند (B17). حضرت بدین منظور از کلمه «سطون» استفاده نموده که می‌تواند اشاره‌ای باشد به آیه «يَكَادُونَ بِالَّذِينَ يَثْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا» (الحج: ۷۲) در معنای این کلمه آمده است که «يسطون» از مصدر «سطوت»، به معنای حمله‌ور شدن و گرفتن به شدت است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱: ۳۸۳). طبرسی نیز سطوت را اظهار حالتی که سبب ترس می‌شود، معنا کرده است (طبرسی، ۱۳۷۹ق، ۴: ۹۵). بنابراین می‌توان گفت هدف اهل باطل، حمله به اهل حق با شدت و خشم و ترساندن ایشان است.

۴-۴. شیوه و راه‌کار اهل باطل

حضرت به روش اهل باطل برای رسیدن به اهدافشان اشاره کرده می‌فرماید شیوه‌ی ایشان استفاده از حيله، مکر، فریب و وسوسه است (C40، C51، C52). شیوه‌ای که در آیات متعددی به آن اشاره شده است^۱ و اهل باطل، به تعبیر قرآن برای پیش بردن اهدافشان، در شب و روز، بدان مشغول‌اند «وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعُفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَنْدَادًا» (سبأ: ۳۳) درحالی‌که نمی‌دانند جز بر خویش نیرنگ نمی‌زنند «يُحَادِثُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ» (البقرة: ۹) زیرا وقتی غیر از آنچه در دل دارند اظهار می‌کنند اگرچه در ظاهر مؤمنان را فریب داده‌اند، اما در واقع خود را فریفته‌اند و به عذاب شدید سقوط خواهند کرد (طبرسی، ۱۳۷۹ق، ۱: ۴۷). بعلاوه این‌که مکر و نیرنگشان نیز تباه‌شدنی است «وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَكْرٌ أُولَئِكَ هُوَ يُبَوِّرُ» (فاطر: ۱۰).

۱. از جمله: آل عمران: ۵۴، الأنعام: ۱۲۳ و ۱۲۴، الأنفال: ۳۰، یوسف: ۱۰۲، الرعد: ۳۳ و ۴۲، ابراهیم: ۴۶، التحل: ۲۶ و ۴۵ و ۱۲۷، التمل: ۵۰ و ۷۰.

مکر در این آیه چاره‌اندیشی توأم با افساد تفسیر شده است و «سینات» همه زشتی‌ها و بدی‌ها را اعم از بدی‌های عقیدتی یا عملی شامل می‌شود و تفسیر آن به توطئه‌های مشرکان برای کشتن یا تبعید کردن پیامبر (ص) تمام مفهوم آن نیست بلکه یکی از مصادیق آن می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳ش، ۱۸: ۱۹۶).

۴-۵. اهل سقیفه‌ی بنی‌ساعده مصداقی از اهل باطل

توجه به تاریخ و بهره بردن از درس‌ها و عبرت‌های آن، یکی از مهم‌ترین ضمانت‌ها برای تعالی و پیشرفت انسان است؛ زیرا بدین وسیله امکان جلوگیری از تکرار خطاهایی که می‌تواند حرکت روبه‌جلو را مختل یا متوقف نماید فراهم می‌شود. از همین روست که در نگاه امام صادق (ع) واقعه غدیر و ماجرای سقیفه بنی‌ساعده یک واقعه‌ی تاریخی پشت سر گذاشته شده و محصور در زمان و بدون کارکرد نیست؛ بلکه حیات داشته و می‌تواند در هر زمانی جریان یابد و برای هر زمانی عبرت‌آموز باشد؛ چنان‌که به تعبیر شهید مطهری تاریخ، در واقع جامعه‌ی انسانی در حال حرکت و جریان است که می‌تواند به‌عنوان یک منبع شناخت مورد توجه قرار گیرد (مطهری، ۱۳۷۶ش، ۳۸۳).

لذا حضرت به‌منظور تبیین چگونگی کارکرد عواملی چون ولایت ناپذیری، حق ناپذیری، مخالفت با دستورات الهی، پیروی از هوای نفس، نفوذ شیطان و... بر انحراف افراد از مسیر حق به واقعه غدیر خم و ماجرای سقیفه بنی‌ساعده می‌پردازد (R102-R95). در این زمینه حضرت می‌فرماید مردم بعد از وفات پیامبر (ص) و بعد از عهدی که با پیامبر (ص) بسته بودند طبق آراء خود عمل کردند (R96) درحالی‌که مجاز به این کار نبودند (R97، R99، R102) و کسانی که این‌گونه رفتار کنند، جسورترین افراد بر خداوند بوده، آشکارترین گمراهی را دارند (B155-B154). این مطلب اشاره دارد به عوامل حق ناپذیری، ولایت ناپذیری و پیروی از هوای نفس که در عوامل انحراف اهل باطل بدان پرداخته شد.

همان‌طور که امام (ع) اصل ثمره‌ی پیروی از هوای نفس را مخالفت با دستورات الهی بیان می‌کند (B148، B152)؛ در این مصداق نیز همان نتیجه حاصل شده و آنچه مردم بعد از وفات پیامبر (ص) انجام دادند دشمنی و مخالفت با خداوند و رسول (ص) بوده است (B150). درحالی‌که پیروی و اطاعت از خداوند، حق خداوند بر مردم است (B157) و حق خداوند در حیات و ممات حضرت محمد (ص) تغییری نمی‌کند (B158، B160، BQ162، B165).

حضرت در زمینه‌ی لزوم طاعت الهی در حیات و ممات حضرت محمد (ص) و مخالفت با دستور الهی که در ماجرای سقیفه رخ داده است به آیه‌ی «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ» (آل عمران: ۱۴۴) استناد کرده است. در تفسیر این آیه آمده است محمد (ص) مانند سایر رسولان سمتی جز رسالت از ناحیه خدا ندارد و امر عالم، تنها به دست خدا است؛ دین هم دین خدا است و با بقای خدا باقی است؛ پس ایمان مسلمانان وابسته به زنده بودن آن حضرت نیست که اگر آن جناب به مرگ و یا به قتل از دنیا برود قیام به دین خدا، رها شود و مردم هدایت خود را از دست داده و دچار گمراهی شوند (طباطبایی، ۱۳۹۷ق، ۴: ۳۷).

امام صادق (ع) برای مشخص نمودن ترک طاعت الهی که در ماجرای سقیفه‌ی بنی‌ساعده رخ داده است، علاوه بر استناد به قرآن به استدلال عقلی نیز می‌پردازد (B161). ایشان با پرسیدن این سؤال که آیا پیروی از قول و رأی و قیاس در زمان پیامبر (ص) جایز بوده است؟ عقول مردم را مخاطب قرار داده و در مقام نتیجه‌گیری می‌فرماید اگر کسی معتقد باشد که پیروی از رأی و قیاس در زمان پیامبر (ص) جایز بوده دروغ‌گو و گمراه است و اگر این امر را جایز نداند از کسانی است که معتقد است اطاعت خداوند در حیات و ممات پیامبر (ص) واجب است و بدین ترتیب (اگر ماجرای سقیفه را پذیرفته) علیه اعتقاد خودش اقرار کرده است (R99).

بدین ترتیب امام صادق (ع) در جهت شناساندن اهل باطل در نامه به ویژگی‌ها، عوامل منجر به انحراف، اهداف، شیوه و راه‌کار اهل باطل و ارائه‌ی مصداقی برای این گروه پرداخته است.

۵. نتیجه‌گیری

۱- نتایج حاصل از تحلیل محتوای کمی نشان می‌دهد «شناخت اهل باطل» یکی از مقوله‌های مورد توجه امام صادق (ع) در نامه به أصحاب است؛ به گونه‌ای که موضوعات اصلی مرتبط با این مقوله در نامه‌ی حضرت یکی از بیشترین فراوانی‌ها را دارد. امام (ع) این گروه از افراد را با عناوین اهل باطل، دشمنان خدا، افراد شقی، شیاطین انس، ائمه ضلالت، منافق و کافر معرفی می‌نماید.

۲- موضوعات اصلی بیان‌شده در مقوله‌ی «شناخت اهل باطل» عبارت‌اند از: خصوصیات اهل باطل، اهداف، شیوه و راه‌کار و مصداق ایشان که به لحاظ کمی، بیان

خصوصیات اهل باطل بیشتر مورد توجه حضرت بوده است و پرداختن به شیوه و راهکار ایشان و بیان مصداق از این گروه، کمترین فراوانی را داشته است.

۳- بر اساس نتایج حاصل از تحلیل کیفی؛ امام صادق (ع) به ویژگی‌های اعتقادی اهل باطل مانند: تکذیب و روگردانی از عقاید اهل حق و تزلزل اعتقادی، ویژگی‌های اخلاقی از جمله: نفاق، خشم و بغض زیاد نسبت به اهل حق، خوار شمردن، دشمنی کردن، توطئه‌چینی، کینه‌توزی و آزار رسانی به ایشان و موضع مخالف اهل باطل در برابر احکام الهی پرداخته است و بر اساس نتایج حاصل از تحلیل کمی بیان ویژگی‌های اخلاقی نسبت به سایر ویژگی‌های اهل باطل بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است.

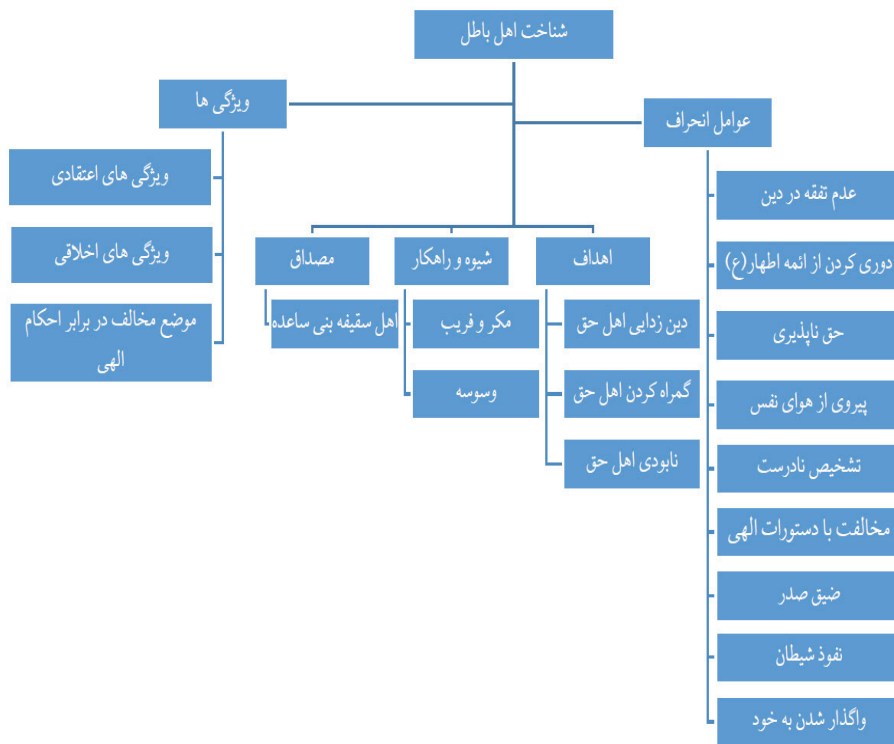
۴- بر اساس نتایج حاصل از تحلیل کیفی؛ حضرت عوامل منجر به انحراف در این افراد را بیان فرموده است؛ این عوامل عبارت‌اند از: دوری کردن از ائمه اطهار (ع) و در نتیجه تشخیص نادرست، حق ناپذیری، ضیق صدر، عدم تفقه در دین و مخالفت با دستورات الهی، پیروی از هوای نفس، نفوذ شیطان در ایشان و در نتیجه واگذار شدن به خود توسط خداوند.

۵- بر اساس نتایج حاصل از تحلیل کیفی؛ امام صادق (ع) اهداف اهل باطل را دین‌زدایی از اهل حق، گمراه کردن و نابودی اهل حق بیان می‌نماید. به لحاظ کمی؛ دین‌زدایی از اهل حق و پس از آن نابودی اهل حق به ترتیب بیشترین فراوانی را داشته‌اند. حضرت شیوه‌ی این گروه برای رسیدن به اهدافشان را استفاده از حيله، مکر، فریب و وسوسه می‌داند.

۶- بر مبنای تحلیل کیفی صورت گرفته، حضرت به‌منظور تبیین چگونگی کارکرد عواملی چون ولایت ناپذیری، حق ناپذیری، مخالفت با دستورات الهی، پیروی از هوای نفس، نفوذ شیطان و... بر انحراف افراد از مسیر حق، به واقعه غدیر خم و ماجرای سقیفه بنی‌ساعده می‌پردازد.

نمودار شماره ۵ مواردی که حضرت در مقوله‌ی «شناخت اهل باطل» در این نامه به آن‌ها پرداخته است را نشان می‌دهد.

نمودار ۵. ساختار مقوله‌ی «شناخت اهل باطل» در نامه‌ی امام صادق (ع) به اصحاب



منابع

قرآن مجید. ترجمه فولادوند، محمدمهدی. قم، دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ معارف اسلامی)، ۱۳۷۳ش.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.

ابن غضائری، احمد بن حسین، رجال ابن الغضائری، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴ق.

ابن قاریاغدی، محمدحسین، البضاعة المزجاة، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.

امینی، محمد، درسنامه فقه الحدیث (کتاب فضل العلم، کتاب الحجج، کتاب العشرة)، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۳ش.

باردن، لورنس، تحلیل محتوا، ترجمه: ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی سرخابی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴ش.

برقی، احمد بن محمد، المحاسن، محقق/ مصحح: جلال الدین محدث، قم، دارالکتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.

بروجردی، آقاحسین، جامع احادیث الشیعة، تهران، فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ش.

حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۰۹ق.

- _____، الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، قم، موسسه معارف اسلامي امام رضا (ع)، ۱۴۱۸ق.
- حلي، حسن بن يوسف، رجال العلامة الحلي، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.
- طباطبایي، محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن (تفسير الميزان)، تهران، دارالكتب الاسلاميه، چاپ سوم، ۱۳۹۷ق.
- طبرسي، علي بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، بيروت، داراحياء التراث العربي، ۱۳۷۹ق.
- طوسي، محمد بن حسن، رجال الشيخ الطوسي، نجف، حيدريه، ۱۳۸۱ق.
- _____، الفهرست، نجف، المكتبه المرتضويه، بی تا.
- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسير العیاشي، محقق/ مصحح: سيدهاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعة العلمیة، ۱۳۸۰ق.
- فیضی، کامران و مهسا پیشدار، تحلیل محتوای کاربرد، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۴ش.
- فیض کاشانی، محمد محسن، الوافي، اصفهان، کتابخانه امام أميرالمؤمنين علی (ع)، ۱۴۰۶ق.
- قاسمی، جمال الدين، قواعد التحديث من فنون مصطلح الحديث، محقق: محمد بهجه بیطار، بیروت، دارالنفایس، ۱۴۲۷ق.
- قمی، عباس، سفینه البحار، قم، اسوه، ۱۴۱۴ق.
- کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافي، قم، دارالحديث، ۱۴۲۹ق.
- گلستانه، سيد علاء الدين محمد، منهج اليقين، قم، دارالحديث، ۱۴۲۹ق.
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح الكافي: الأصول و الروضة، تهران، المكتبة الإسلامية، ۱۳۸۲ق.
- مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، محقق/ مصحح: سيدهاشم رسولی محلاتی، تهران، دار الكتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار ۱۸ (سیری در سیره ائمه اطهار، داستان راستان)، تهران، صدرا، ۱۳۷۸ش.
- _____، مجموعه آثار ۱۳ (جلد نهم از بخش فلسفه؛ مقالات فلسفی، مسئله شناخت، نقدی بر مارکسیسم)، تهران، صدرا، ۱۳۷۶ش.
- مفید، محمد بن محمد، الارشاد في معرفه حجج الله على العباد، قم، محبین، ۱۳۸۴ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسير نمونه، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۵۳ش.
- موسوی خویی، سيد ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، قم، مرکز نشر آثار شیعه، ۱۳۶۹ش.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، جامعه مدرسين، ۱۴۰۷ق.
- نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۰۸ق.